



ترقیمه واژه‌ای است بر ساخته از بُن مایهٔ رَقْم تازی که پارسی دانان یا پارسی‌گویان شبه قارهٔ هندوستان، که به نادرست به "پاک و هندو"ی انگلیسیها تبدیل شده است. از سدهٔ دهم هجری تا اشغال انگلیسیها، پارسی‌گویان و پارسی دانان "هندسپید" زبان فارسی را به حیث زبان علمی و اندیشگی شبه قاره پذیرفتند و در گونه‌های نثر و نظم آن زبان تأملاتی بسیار از روی ذوق و شناخت به عمل آوردند که توانستند گونهٔ پارسی هندی را هم در حوزهٔ نظم و هم در قلمرو نثر به وجود آرند. اهالی این گونهٔ زبان فارسی در بررسی نسخه‌های خطی، به حق مالکیت کاتب معطوف شدند و "خاتمه کاتب" را "ترقیمه" نامیدند.

ساخت واژهٔ مذکور تازی نیست بلکه فارسی است و مانند انبوهی از واژه‌های بر ساختهٔ فارسی زبانان که بر پایهٔ بُن مایه‌های تازی، واژه‌هایی با ساختار فارسی، در تمامی روزگاران پیشین و پسین وضع کرده‌اند. بُن مایهٔ این واژه - الرقم - از دیر باز در زبان تازی به معنای نشانه است و آنچه رقم می‌شود، یعنی مشخص می‌گردد. تازیان وقتی "رَقْمَتُ الشَّيْءِ" می‌گویند، یعنی آن چیز (شیء) را به نشانه‌ای ممیزه، برای تمیز دادن آن از دیگری - که ماندهٔ آن باشد یا غیر آن - آراسته‌اند. در کتابت نیز به دلیل آنکه رقم نشانهٔ ممیزه‌ای بوده است که حق تملک کاتب را مشخص می‌کرده پذیرفتهٔ نسخه‌نویسان و خوشنویسان بوده است.

پیشینه و قدمت رقم، بی گمان با قدمت استحقاق ابراز حق مالکیت از سوی کاتب بوده است. در حوزهٔ نسخه‌نویسی تمدن منطقهٔ ما این استحقاق تا حد مرسوم و متعارف پذیرفته بوده و نسخ خطی از دیر باز دارای "رقم"

فرهنگ تاریخی اصطلاحات نسخه‌شناسی (ترقیمهٔ فارسی)

نجیب مایل هروی*

چکیده: ترقیمه یا (Colophon) نسخه‌های خطی از جمله عناصر مهم در نسخه‌شناسی است که نسخه‌شناسی را به متن‌شناسی پیوند می‌زند. کاتبان فارسی زبان از دیر باز بنا بر زبان فکری خویش، ترقیمه نسخه‌های مکتوبشان را - که به زبان پارسی بوده - با ترقیمهٔ پارسی به پایان می‌برده‌اند. اما این ادب نسخه‌نویسی فارسی رفته رفته دگرگون شده و به ترقیمه‌های عربی و عربی‌آمیز تبدیل شد. بر پایهٔ چنین نظری، ترقیمهٔ پارسی نسخهٔ فلورانس از «شاهنامه» مورد تأمل قرار گرفت و اصالت آن از طریق نسخه‌شناسی - که بعضی از معاصران آن را محل تردید دانسته‌اند - یادآوری شده است.

کلید واژه: ترقیمه؛ انجامه.

۱. قیومی، مصباح المنیر (قم: دارالهجرة، ۱۳۶۳/۱۴۰۵)، ذیل واژهٔ الرقم.

* محقق و نویسنده.



بوده است. نظر اجمالی به الفهرست ابن ندیم نشان می‌دهد که قدیم‌ترین نسخه‌های خطی منطقه ما "رقم" داشته است. در نگارش‌هایی چون ادب الاملاء سمعانی؛ تذکره ابن جماعه؛ صبح الاعشی قلقشندی از "مفتح" و "خواتیم" کتب یاد شده است. در زبان فارسی نیز واژه "رقم" احتمالاً در نزد کتاب‌شناسان و نسخه‌نویسان به جای "ترقیمه" استعمال داشته است اما از نیمه دوم سده نهم که رقع‌نویسی (قطعه‌نویسی) و مرقع‌سازی پسندیده‌تر افتاد و نسخه‌نویسان به خوشنویسی زیبایی‌شناسانه‌روزی آوردند و قطعه‌نویسی مکانت و خوشنویس قطعه‌نویس مکان اجتماعی و اداری و اقتصادی به دست آوردند، خوشنویس از "خویش" به عنوان "راقم" یاد می‌کرد و در پایان قطعه خط خوش خود، مثلاً، می‌نوشت: "راقمه...؛ واژه "رقم" در همان حوزه خوشنویسی و رقع‌نویسی زبان‌گیر شد و اگرچه بعضی از شاعران و ناظران از "نسخه بی‌رقم" یا "کتاب بی‌رقم" یاد کردند اما کم توجه بودن متأخران و معاصران هم به جزئیات و اهمیت مضبوط در ترقیمه‌های نسخه‌های خطی دلالت بر آن دارد که واژه "رقم" بار معنایی "ترقیمه" را در قلمرو شناخت نسخه‌های خطی بر نمی‌تابد. ترقیمه نه تنها در نسخه‌شناسی صرف، کاراً می‌نماید، بلکه در حوزه متن‌شناسی و نیز در ساحت تاریخ ذوق و فکر و فرهنگ و حتی جغرافیای تاریخی و زبان‌شناسی تاریخی حائز اهمیت فراوان است. در روزگار معاصر، به هیچ گونه، تأملی فراگیر و نظام‌مند بر ترقیمه‌های نسخه‌های خطی نشده است و بیشتر فهرست‌نگاران، انتخابی فشرده از محتویات ترقیمه را به حیث پایان نسخه توصیف کرده خود در فهرست‌هایشان گنجانده‌اند. سپس بعضی از مترجمان، به جای آن (رقم)، واژه "انجامه" را صرفاً به لحاظ فارسی بودن آن در ترجمه Colophon پذیرفته‌اند. این معادل‌یابی غیر علمی، سبب شد تا عده‌ای، در نسخه‌شناسی از "انجامه متن" و "انجامه کاتب" سخن به میان آرند بی‌آنکه توجه کنند که در مورد کاتب هم نمی‌توان با توجه به معنای لغوی "انجامه" از انجامه عبارت او سخن گفت. ضرورت‌های نسخه‌شناسی اقتضا دارد که امروزه در فهرست‌نگاری فهرست‌های توصیفی نسخ خطی، همه عبارات انجامه کاتب بازنویسی و نقل شود و یا اصل ترقیمه به صورت عکسی در فهرست‌های مذکور عرضه شود. با این همه نگارنده بر این باور است که در توصیف کتاب‌شناسانه نسخه‌های خطی، می‌باید به "انجامه متن"، و در توصیف نسخه‌شناسانه آنها به "ترقیمه" (نه به انجامه

کاتب) توجه کرد. از این روی، اگر چه "ترقیمه" واژه‌ای است متأخر و مستحدث، اما ذهنیتی که در شبه قاره هند آن را بر پایه "ترقیم" عربی، پارسی کرده و اصطلاحی نسخه‌شناسانه ارائه داده، از آگاهی دقیق نسخه‌شناسی / متن‌شناسی برخوردار بوده است.

نگارنده در جست و جویی که چند سال قبل درباره "ترقیمه" کرده، به اهمیت تاریخی، فرهنگی و زبانی ترقیمه‌ها توجه داده است، آنچه در این گفتار، می‌افتد که به بحث و بررسی آن اشاره شود، ترقیمه پارسی است. باید دانست که ترقیمه‌های بلند و کوتاه، متضمن نکته‌هایی است که در نگاه نخست، برای شناخت نسخه‌ها کارآیی دارد. اینکه "متن" در چه مکان و در چه زمان، جز مکان و زمان نویسنده متن کتابت شده است. اینکه دقت نسخه‌نویس چه وزن و بهایی داشته است. اینکه در حوزه کدام جریان فرهنگی / سیاسی به کتابت متن پرداخته است و ... این همه از ترقیمه نسخه‌نویس به حاصل می‌آید. هم اینکه ترقیمه نسخه‌نویس متن فارسی صرفاً عربی است یا عربی و فارسی. و اینکه ترقیمه نسخه‌نویس متن عربی گاه واژه‌ها و مصراع‌های فارسی دارد، از نکته‌های درخور تأمل در نسخه‌شناسی تواند بود. زیرا وقتی نسخه‌نویس به ابراز حق تملک می‌رسیده، بی‌گمان با ذهنیت ویژه خود می‌اندیشیده و ترقیمه را بر اساس ساختارهای ذهنی و زبانی خود می‌پرداخته است.

گویا نسخه‌نویسان پیش از سده ۸۰۰ هجری کمتر به عبارتهای کلیشه‌ای در ترقیمه‌های خویش می‌پرداخته‌اند. بی‌گمان ترقیمه‌نویسی در کانونهای نسخه‌نویسی رسمی (دیوانی) و صنفی (تجاری) متضمن عباراتی بوده است از پیش ساخته و آماده، که پاره‌ای از کلمه‌های آن از کاتبی به کاتب دیگر و از نسخه‌ای به نسخه‌ای دیگر گون می‌شده است. اما ترقیمه‌های نسخه‌نویسان صاحب سبک در خط و کتابت نشان از آن دارد که ترقیمه‌های نسخه‌های مکتوب آنان، خود به حیث نشانه و شناسه شناخت کار آنان می‌تواند تلقی شود.

به هر حال، از آنجا که در همه ادوار، نسخه‌ها به لحاظ اعتبار اقتصادی مورد نظر بعضی از نسخه‌نویسان، وراقان و نسخه‌فروشان بوده، همچنان که کتابت مزور رونق داشته، ترقیمه‌های مزور نیز فراهم می‌شده است. کم نیست نسخه‌هایی که بر پایه ترقیمه‌های جعلی آنها،



کهن نموده شده اند اما هر چند کم است نسخه‌هایی که بر پایه ترقیمه‌های معمول شان، جدید یا جدیدتر شناسایی شده اند، با این همه این گونه نسخه‌ها هم می‌تواند وجود داشته باشد. گونه کهن خط نسخ، شناسه‌های کهن برای نشان دادن برخی از تلفظ‌های آوایی، آرایه‌های کهن با رنگهای گیاهی همچون رنگ ریشه زعفران و... کهن بودن این دست از نسخه‌های دست خورده را تثبیت می‌کنند. از این روی، اگر در نسخه‌ای، ترقیمه آن اندکی مخدوش بنماید، می‌توان از طریق شناسه‌های آواشناسی تاریخی زبان، خط شناسی تاریخی، نسخه‌آرایی تاریخی و دیگر نشانه‌ها و امارات به تعیین اصالت نسخه‌ها و تبیین خدشه‌پذیر شدن ترقیمه‌هایشان اهتمام کرد.

نسخه‌ای از نامه گران سنگ حکیم فردوسی که به نسخه فلورانس (ایتالیا) مشهور است و متضمن بخش نخست از شاهنامه است، از همه شناسه‌های کهن کتاب‌پردازی و نسخه‌آرایی برخوردار است. این نسخه را آقای دکتر جلال خالقی مطلق به درستی دریافت و آن را اساس مشروط و منطقی تصحیح شاهنامه قرار داده است. با این همه، پس از نشر عکسی آن نسخه در تهران (۱۳۶۹ خ)، بعضی از معاصران را بر آن داشت تا در اصالت نسخه تردید کنند. بعضی هم آن را با دلایل نقد تاریخی و ادبی تأیید کردند، اما تا آنجا که نگارنده به اشاره‌ها و دلیلهای آنان توجه کرد، یک نکته بسیار چشمگیر را در میان دلیلهای اشاره‌های آنان نیافت و آن ترقیمه آنست که معطوف به سنت ترقیمه‌نویسی در میان کاتبان پارسی زبان پیش از ۷۰۰ هجری می‌باشد.

اسناد و اشارات کهن تازی در حوزه نسخه‌پردازی حاکی از آنست که در نخستین سده‌های هجری، نسخه‌پردازان منطقه با نسخه‌هایی از آثار ایران و یونان آشنایی داشته‌اند. این سرچشمه‌های نسخه‌پردازی در ایران، بی‌تردید سنت ترقیمه‌نویسی کهن و دیرین را در ذهنیت تاریخی/فرهنگی فارسی زبان زنده نگاه می‌داشته است به طوری که کاتب فارسی زبان که نسخه‌های آثار پارسی را استنساخ می‌کرده، به کلیات آن سنت توجه داشته و ترقیمه آن را با واژگان و ساخت زبان فارسی یعنی زبان تفکرش می‌پرداخته و در پایان ترقیمه نیز به سگم و صلوات رسمی و معمول در قلمرو

اعتقاد رایج اهتمام می‌کرده است. نگارنده، این گونه از ترقیمه‌های نسخ خطی فارسی را "ترقیمه پارسی" می‌نامد و به چند نمونه کهن آن، که پیش از ۷۰۰ هجری کتابت شده‌اند، توجه می‌دهد:

از جمله نسخه‌های کهن فارسی، ترجمان البلاغة محمد رادویانی (سده ۵ ق) است که در ۵۰۷ ق، به دست اردشیر بن دیلمسپار نجمی - شاعری پارسی زبان که مسبب تألیف لغت فرس اسدی طوسی هم بوده - کتابت شده. ترقیمه نجمی، یکی از ترقیمه‌های کهن موجود محسوب است که می‌توان بر پایه آن، ساخت نسخه‌شناسی و متن‌شناسی نسخه مکتوب کتاب را بدرستی دریافت. متن ترقیمه را ملاحظه کنید:

اسپری شد این کتاب پیروزی و به روزی
و نیک اختری و فرخی بر دست ابوالهیجا
اردشیر بن دیلمسپار النجمی القطبی الشاعر،
اندر اواخر شهر الله المبارک رمضان، سال
بر پانصد و هفت از هجرت پیغامبر محمد المصطفی
علیه و سلم مبارک باد بر خداوندش.

مقدمان و از جوی طحی و یودی از من گونده و از من
زا مسیحین برانتم خاصه جونا، خوشبختی و از رصاع
بیزونامه و پیاوار بمل شاگردی بیزونانافاده اگر
بیزودی بخودتغ ند استبدی بکردم نامتکو و باغ
از مشاللسعز و خرم

اسپی و متداین کتاب پیروزی
و به روزی و نیک اختری و فرخی
بر دست ابوالهیجا اردشیر
دیلمسپار النجمی القطبی الشاعر
اندر اواخر شهر الله المبارک
رمضان بر پانصد و هفت از هجرت
پیغامبر محمد المصطفی علیه

و سلم

بر خداوندش



مبارک باد

■ برگ آخر از نسخه «ترجمان البلاغة» محمد رادویانی، سده ۵ ق.

به خط اردشیر بن دیلمسپار نجمی، به تاریخ ۵۰۷ ق.

۲. دست با زیر (کسر) دال، تلفظی است گونه‌ای، که هنوز در برخی از گونه‌های فارسی دری، مانند گونه فارسی کابل، کاربرد دارد.



مانند ترقیمه نسخه منطق الطیر عطار نیشابوری که پس از "حمد و سپاس" با این ابیات صورت یافته است:

حق تعالی از مدد درهاگشاد
 اتفاقم ختم این نسخه فتاد
 شد به دست خسرو این نسخه تمام
 روز بیست و پنجم از ماه صیام
 خسرو گوینده آن فخر دین
 خادم بیچاره بی کبر و کین
 سال اندر هفت و بیست و هفتصد
 بود چون این دولتم آمد به صد
 گفت عطار از همه مردان سخن
 گر تو مردی هم به خیرش یاد کن
 جان او از نور حق آسوده باد
 نام او در آسمان بستوده باد^۲

سخن پایانی اینکه ترقیمه های پارسی به لحاظ نسخه شناسی که متن شناسی را نیز در پی داشته باشد، سزاوار بررسی تاریخی است؛ زیرا این ترقیمه ها در بسیاری از موارد، اصالت نسخه ها را نشان می دهند هر چند ممکن است اصالت نسخه به اصالت متن نینجامد.

از آن جمله است سرفصل های کتیبه ای، که با خط کوفی بنایی کتابت شده، آن هم با زیبایی تمام. تردید در مورد کتیبه های نسخه مذکور با توجه به آرایه هایی که با خط بنایی آمیخته است، به هیچ روی درست نمی نماید. این کتیبه ها به کتیبه های سر سوره های نسخ کهن قرآن - که در قلمرو ایران نسخه پردازی شده است - تشبیه و ماندگی دارد و مجموعه آنها (یا آن تعداد از آنها که خوانا و روشن مانده است) در خوردن تأمل و مطالعه جدی است. آنچه مهم می نماید، اینکه می بایست نسخه مذکور با دقتی بیشتر عکس برداری شود و نسخه برگردانی همانند نسخه موجود در فلورانس، در دسترس نسخه شناسان و شاهنامه شناسان قرار گیرد.

نگارش ترقیمه پارسی، بی گمان تا حوالی ۷۰۰ق و شاید اندکی پس از آن نیز، ادامه داشته است. در میان نسخه های خطی فارسی - به ویژه نسخ آثار ادبی فارسی، خصوصاً آثار منظوم آن - نسخه هایی داریم که ترقیمه پارسی منظوم دارند، به طوری که کاتب ناظم ابیاتی را که متضمن موضوع ترقیمه بوده، به عنوان "خاتمه کتاب (نسخه)" آورده است.



۲. منطق الطیر، عطار نیشابوری، به اهتمام دکتر احمد رنجبر (تهران، اساطیر، ۱۳۶۹)، ص ۵۴۹.

